**مجله اقتصادی**
**شماره‌های ۳ و ٤، خرداد و تیر ۱۳۹۲، صفحات ۷٦- ٦٥**

# تأثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی بر رشد اقتصادی منطقه منا

**مهدی تقوی**
استاد دانشگاه علامه طباطبایی

**مریم خلیلی‌عراقی**
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم‌تحقیقات
m.khaliliaraghi@gmail.com

**زهرا مهربان‌فر**
کارشناس‌ارشد مدیریت بازرگانی !
mehraban.vida@gmail.com

**در این مطالعه به بررسی اثرگذاری صادرات و واردات به تفکیک واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منطقه منا طی سال‌های (۲۰۰۷-۱۹۹۹) با استفاده از روش داده‌های ترکیبی پرداخته شده است. یافته‌های به‌دست آمده گویای این مطلب است که نرخ رشد واردات با رشد اقتصادی رابطه مثبتی دارد. از دیگر نتایج اثر مثبت نرخ رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بر رشد اقتصادی بوده که رشد واردات کالاهای واسطه‌ای از اثرگذاری بیشتری نسبت به رشد کالاهای سرمایه‌ای برخوردار است. همچنین، نرخ رشد واردات کالاهای مصرفی اثر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد. در پژوهش حاضر اثرگذاری واردات کالاهای مصرفی به دلیل استفاده از روش داده‌های ترکیبی که تورش برآورد را تا حد زیادی از بین می‌برد، قابل تأمل است.**

**واژه‌های کلیدی:** رشد اقتصادی، واردات، کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای واسطه‌ای، کالاهای مصرفی.

## ۱. مقدمه

در زمینه مطالعه تجارت خارجی و رشد اقتصادی به دلیل نقش گسترده صادرات بر رشد اقتصادی این متغیر در کنار سایر عوامل سرمایه و نیروی کار وارد مدل‌ها شده و از توجه بیشتری از سوی پژوهشگران برخوردار بوده است. اما موضوعی که در پژوهش‌ها کمتر به آن توجه شده و در مدل‌ها مشاهده نمی‌شود واردات است. از آنجایی که تابع واردات به تفکیک کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی دارای

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

ساختار متفاوت می‌باشد و میزان اثرگذاری هر کدام بر رشد اقتصادی متفاوت است. لذا شناسایی دقیق‌تر میزان اثرگذاری هر یک از گروه‌های کالایی بر رشد اقتصادی می‌تواند به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی دارای کارایی و اثربخشی بیشتر یاری رساند.

طبق مشاهده‌های تجربی، تجارت خارجی از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نرخ رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را افزایش داده است. به علت پایین بودن قیمت نسبی کالاهای سرمایه‌ای در کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، این امکان برای کشورهای در حال توسعه میسر می‌شود تا با واردات این کالاها، ضمن بهره‌مندی از انتقال فناوری کشورهای طرف تجاری خود، زمینه رشد اقتصادی را بیشتر فراهم آورند. در این راستا اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی به افزایش کیفیت کالاها و خدمات داخلی و متناسب شدن با کیفیت جهانی منجر شده که تأثیر بسزایی در کاهش واردات کالاهای مصرفی خواهد داشت. همچنین ادبیات موضوعی رشد اقتصادی در کشورهای بهره‌مند از منابع طبیعی، مطالعه تجربی رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت را ضروری می‌نماید. گرایش سیاستگذاران به آزادسازی تجاری به‌ویژه توسعه صادرات در بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت، برای رهایی یا کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است که در این خصوص نمی‌توان نقش مهم واردات بر رشد اقتصادی را نادیده انگاشت.

کشورهای در حال توسعه به لحاظ نوع ساختاری به میزان قابل توجهی واردات کالاهای مصرفی دارند، به همین دلیل بررسی میزان اثرگذاری واردات کالاهای مصرفی در این کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه تا کنون مورد پژوهش قرار گرفته بررسی بر اساس سری زمانی یک کشور بوده که یافته‌های حاصل از آن پژوهش‌ها همراه با تورش بوده است. در پژوهش حاضر اثر واردات به تفکیک کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی با استفاده از روش داده‌های ترکیبی در کشورهای منطقه منا[1] بررسی شده و در مقایسه با پژوهش‌های گذشته تورش برآورد تا حد زیادی از بین رفته یا کم شده است.

سازماندهی مقاله به این شرح است: ابتدا به ادبیات مرتبط با تجارت خارجی و رشد اقتصادی پرداخته سپس مطالعه‌های خارجی و داخلی مرور می‌شود. در ادامه پس از معرفی متغیرها و تصریح مدل یافته‌های پژوهش برآورد، تحلیل و بررسی می‌شود.

1. Middle East North Africa

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

## ۲. مبانی نظری تجارت خارجی و رشد اقتصادی

با وجود اختلاف نظرهای متعددی که در مورد ماهیت تأثیرگذاری تجارت خارجی بر اقتصاد کشورها وجود دارد، اکثر اقتصاددانان تأکید فراوانی بر اهمیت تجارت خارجی در اقتصاد کشورها داشته‌اند. نظریه‌های زیادی از این دیدگاه حمایت می‌نمایند که می‌توان به نظریه رشد سوداگری اشاره کرد. مرکانتیلیسم‌ها[1] معتقد بودند که مهم‌ترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد، به این معنا که منافع ناشی از تجارت خارجی برای کشور به معنای ضرر شریک‌های تجاری آن بوده است.

از نظریه‌پردازان کلاسیک اقتصاددان مشهور آدام اسمیت[2] است. وی با طرح اصل مزیت مطلق استدلال نمود که هر کشور می‌تواند از طریق تجارت آزاد در تولید کالایی تخصص پیدا کند که "در آن دارای مزیت مطلق است، اما چنانچه کشوری در تولید هیچ کالایی مزیت مطلق نداشته باشد امکان انجام تجارت خارجی و کسب منافع مثبت از آن را نخواهد داشت. بنابراین با پیروی از اصل مزیت مطلق فقط کشورهای بزرگ می‌بایست به تجارت بپردازند (تقوی، ۱۳۸۹).

دیوید ریکاردو[3] توانست با طرح قانون مزیت نسبی برای مسئله‌ای که آدام اسمیت نتوانست حل کند، پاسخی یابد. ریکاردو اظهار داشت حتی اگر کشوری در تولید هر ۲ کالا دارای مزیت مطلق در مقایسه با کشور دیگر نباشد باز هیچ داد و ستدی که حاوی منافع متقابل است می‌تواند بین هر دو طرف صورت بگیرد و کشوری که دارای کارایی کمتری است می‌بایست در صدور و تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن مزیت مطلق کمتری ندارد (تقوی، ۱۳۸۹).

جان استوارت میل[4] از دیگر اقتصاددانان به‌نام کلاسیک اثرهای تجارت را به اثر غیرمستقیم و مستقیم تقسیم نمود. به عقیده وی تجارت خارجی به کارایی بیشترمستقیم عوامل تولید در سطح بین‌المللی منجر می‌گردد که میل آن را مزیت اقتصادی مستقیم تجارت خارجی می‌دانست، اما به‌عقیده میل اثر غیر مستقیم تجارت از اهمیت بیشتری برخوردار است. در نهایت می‌توان به این نکته اشاره نمود که کلاسیک‌ها به بررسی مسائل رشد اقتصادی جدای از مسایل تجارت خارجی نمی‌پرداختند و همین مسأله به پیدایش مدل‌های اصلی نئوکلاسیک در خصوص تجارت خارجی گردید (مهدوی، ۱۳۸۴).

در مبانی نظریه‌های نئوکلاسیک، میان نظریه‌های رشد اقتصادی و تجارت خارجی جدایی مشاهده می‌گردد. نظریه‌های نئوکلاسیک مانند نظریه‌های کلاسیک بر منافع حاصل از تجارت خارجی تأکید

1. Mercantilism
2. Adam Smith
3. David Ricardo
4. John Stuart Mill

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

می‌کند. در اینجا به مرور نظریه‌های اقتصاددانان مشهور نئوکلاسیکی همچون هکشر و اوهلین،[1] آلفرد مارشال،[2] آلین یانگ[3] و هابرلر[4] پرداخته می شود.

هکشر و اوهلین بیان می‌نمایند که هر کشوری کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عوامل نسبتاً ارزان و فراوان دارد و به طور متقابل کالایی را وارد می‌نماید که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران است، لذا فراوانی نسبی عوامل به صورت قیمت‌های عوامل داخلی نشان داده می‌شود و در تعیین مزیت نسبی یک کشور در تولید یک کالا وفور نسبی عوامل تولید نقش دارند (تقوی، ۱۳۸۹).

از دیدگاه سایر اقتصاددانان نئوکلاسیک، آلفرد مارشال (۱۸۹۰) عامل تعیین‌کننده پیشرفت اقتصادی کشورها و تجارت خارجی محسوب می‌شد. گسترش ابعاد بازار را با خود همراه داشت که به افزایش تولید جهانی و همچنین افزایش صرفه‌های داخلی و خارجی منجر می‌شود. صرفه‌های داخلی نتیجه افزایش مقیاس تولید به دلیل بهبود بازدهی تولید و تخصیص بهینه عوامل تولید در یک بنگاه اقتصادی است. در مقابل صرفه‌های خارجی به گسترش دانش و مهارت‌ها در سطح کلان اقتصادی وابسته است.

در عین حال آلین یانگ (۱۹۸۲) که شاگرد مارشال بود با معرفی بازدهی فزاینده به مقیاس، مفهوم صرفه‌های خارجی را توسعه بخشید. یانگ بر این باور بود که بازده صعودی زمانی رخ می‌دهد که تحولات کیفی در صنایع قدیمی سبب خلق محصولات و زمینه‌سازی بازار جدید می‌گردد. درنظر گرفتن فعالیت‌های صنعتی، به صورت یک کل منسجم، در شناخت مفهوم بازده فزاینده اهمیت بسزایی دارد (مرادی، ۱۳۸۴).

محور تفکر اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک جنبه‌های پویایی تجارت نبود، اما تا حدی آثار تجارت را بر رشد و توسعه اقتصادی مدنظر قرار دادند و هیچ تعارضی بین تطابق یک کشور با مزیت نسبی‌اش و تسریع رشد آن مشاهده نکردند. هابرلر در خصوص ابعاد پویای تجارت، یکی از منافع غیرمستقیم یا به تعبیر وی منافع دینامیکی تجارت خارجی را در فراهم آوردن ابزار مادی لازم کالاهای سرمایه‌ای، ماشین‌آلات، مواد خام و کالاهای واسطه‌ای و درپی آن انتقال فناوری می‌داند (شون، ۱۳۷۱). انتقال فناوری از خارج موجب تقلیل نسبت اضافی سرمایه به محصول می‌شود تا آنجا که رشد اقتصادی به نرخ تراکم سرمایه و بهره‌وری سرمایه‌گذاری بستگی داشته باشد. مقدار کم نسبت اضافی سرمایه به محصول موجب شتاب در نرخ رشد کلی اقتصاد می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۳).

1. Hecsher and Ohlin
2. Alferd Marshal
3. Alin Young
4. Haberter

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

## ۳. پیشینه پژوهش

یکی از اساسی‌ترین مطالعه‌های تجربی صورت گرفته در زمینه تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی، از سوی بالاسا (۱۹۷۸) بوده است. او نشان داد که رشد صادرات بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد.

بدین ترتیب سیاست‌های متکی به صادرات در مقایسه با سیاست‌های درون‌گرا موجب رشد اقتصادی بیشتری می‌شود.

فدر (۱۹۸۲) در مطالعه‌ای که در مورد ۳۱ کشور در حال توسعه انجام داد، مشخص نمود که رشد صادرات، هم از طریق اثرهای جانبی و هم از طریق افزایش بهره‌وری، منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد.

در زمینه تأثیر واردات بر رشد اقتصادی، مطالعه تجربی اندکی انجام شده که در ابتدا می‌توان به مطالعه کروگر[1] (۱۹۸۳) اشاره نمود. او بیان می‌کند که کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را کاهش خواهد داد و کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد خام به طور عکس بر تولید و اشتغال اثر خواهد کرد.

محسن‌خان و رینهارت (۱۹۹۰) در یک مطالعه مقطعی (۱۹۷۹-۱۹۷۰) برای ۲۴ کشور در حال توسعه با همان متغیرهای استاندارد در الگوی رشد (موجودی سرمایه و نیروی انسانی) صادرات و واردات را هم مورد آزمون قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که علاوه بر صادرات، واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز تاثیر مثبت و معناداری در رشد اقتصادی این کشورها داشته است.

از طرفی، صالحی‌اصفهانی (۱۹۹۱) با این دیدگاه که در ارزیابی نقش توسعه صادرات بر رشد اقتصادی در کشورهای نیمه‌صنعتی، اساسی‌ترین هدف صادرات (یعنی فراهم آوردن ارز برای واردات) نادیده گرفته شده به تحلیل جدید اثر صادرات بر رشد اقتصادی پرداخته است. یافته‌ها بیانگر این است که اثر صادرات بیشتر از طریق کاهش محدودیت‌های وارداتی ایجاد می‌شود و ایجاد صرفه‌های خارجی فراوان از طریق صادرات، بسیار کمرنگ هستند.

یغور (۲۰۰۸) در پژوهشی تجربی به رابطه میان واردات و رشد اقتصادی کشور ترکیه در مقطع زمانی (۲۰۰۵-۱۹۹۴) با استفاده از تکنیک VAR پرداخت. وی به منظور تخمین کاراتر واردات را به گروه‌های کالاهای سرمایه‌ای، مواد خام، کالاهای مصرفی و سایر کالاها تفکیک نمود. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد درحالی‌که یک رابطه دو سویه میان تولید ناخالص داخلی و واردات کالاهای سرمایه‌ای و واردات مواد خام وجود دارد، یک ارتباط یک سویه بین تولید ناخالص داخلی و واردات کالاهای

1. Kruger

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

مصرفی و واردات سایر کالاها برقرار است و جریان اصلی از سوی تولید ناخالص داخلی به سمت واردات کالاهای مصرفی و واردات سایر کالاها است.

چن و دانگ (۲۰۱۲) بر اساس داده‌های پانلی ۳۱ استان خودمختار چین در دوره زمانی (۲۰۰۸-۱۹۹۷) به بررسی تأثیر واردات و صادرات بر رشد اقتصادی با استفاده از تخمین ناپارامتریک پرداختند. یافته‌ها نشانگر تأثیر مثبت واردات و صادرات بر رشد اقتصادی است.

برادران شرکاء و صفری (۱۳۷۷) به پژوهشی به منظور تعیین جایگاه صادرات در اقتصاد ایران طی سال‌های (۱۳۷۲-۱۳۳۸) در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات با استفاده از تکنیک آزمون علیت گرانجر و بر اساس مدل رشد فدر انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که رابطه یک طرفه از جانب رشد صادرات به طرف رشد اقتصادی وجود دارد و ضریب مربوط به صادرات بزرگترین ضریب می‌باشد.

کریمی (۱۳۷۴) با استفاده از داده‌های مقطع زمانی (۱۳۷۰-۱۳۳۸) کشور به بررسی تأثیر صادرات و واردات بر رشد اقتصادی پرداخته است. یافته‌های به دست آمده بیان کننده آن است که صادرات و واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد (مرادی، ۱۳۸۴).

فرجادی و لعلی (۱۳۷۶) اثربخشی واردات در ۳ گروه سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی بر رشد اقتصادی ایران را طی دوره زمانی (۱۳۷۳-۱۳۴۰) با پیروی از سایر مطالعه‌ها و مبتنی بر روش حداقل ربعات معمولی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که تأثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار می‌باشد، ضمن اینکه واردات کالاهای مصرفی نتوانسته تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی داشته باشد و این ارتباط کاملاً بی معنا است.

مانی و حافظی (۱۳۷۷) به بررسی اثربخشی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از تکنیک همگرایی طی دوره زمانی (۱۳۷۶-۱۳۳۸) پرداختند. بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش رشد صادرات و واردات تاثیر مثبت معنادار بر رشد اقتصادی دارد و تأثیر رشد صادرات بر رشد اقتصادی بیش از تأثیر واردات بر رشد اقتصادی است. رابطه مثبت معناداری بین نرخ رشد واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با رشد اقتصادی وجود دارد. این تأثیر برای واردات کالاهای واسطه‌ای به‌دلیل زودبازده بودن بیش از کالاهای سرمایه‌ای است. ضمن اینکه واردات کالاهای مصرفی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی ندارد.

هادیان و مقدم (۱۳۸۸) با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های توزیعی، تأثیر کل واردات و واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی بر رشد اقتصادی در ایران را در ۴ الگوی مجزا طی دوره (۱۳۸۶-۱۳۴۹) مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، تأثیر سهم واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای بر تولید ناخالص داخلی در کوتاه‌مدت و بلندمدت مثبت و معنادار می‌باشد، اما سهم واردات مصرفی تأثیر معناداری بر تولید ناخالص داخلی ندارد.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

## ٤. روش اجرایی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از نظر روش، از نوع پژوهش علی محسوب می‌گردد. هدف اصلی این پژوهش تعیین میزان اثرگذاری صادرات و واردات به تفکیک کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب منطقه منا است. با استفاده از روش پانل دیتا[1] و با بکارگیری نرم‌افزار Eviews7 داده‌های سری زمانی سال‌های (۲۰۰۷-۱۹۹۷) تخمین زده شد.

در روش داده‌های ترکیبی داده‌های مقطعی و سری زمانی تلفیق شده و بدین ترتیب خواص ناهمگن مقاطع از میان می‌رود. در این روش با در نظر گرفتن اثرهای فردی هر مقطع برآوردهای نااریب وسازگارتری ارائه می‌گردد (اشرف‌زاده و مهرگان، ۱۳۸۷).

### ٤-١. تصریح مدل

برای تعیین اثر صادرات و واردات بر رشد اقتصادی با استفاده از تابع تولید (جونز، ۱۳۷۰) و مطالعه محسن‌خان (۱۹۹۰) چارچوب الگو به‌صورت دو مدل زیر تصریح می‌گردد:

$$RGDP=\beta_0+\beta_1 RK+\beta_2 RL+\beta_3 RX+\varepsilon_1 \qquad (1)$$

**جدول ۱. متغیرهای مدل (۱)**

| نماد متغیر | متغیر | نحوه محاسبه |
|---|---|---|
| RGDP | نرخ رشد تولید ناخالص داخلی | $RGDP=\ln [GDP_t/GDP_{(t-1)}]$ |
| RK | نرخ رشد موجودی کل سرمایه | $RK=\ln [k_t/k_{(t-1)}]$ |
| RL | نرخ رشد اشتغال به کل جمعیت | $RL=\ln [L_t/L_{(t-1)}]$ |
| RX | نرخ رشد کل صادرات | $RX=\ln [X_t/X_{(t-1)}]$ |
| RM | نرخ رشد کل واردات | $RM=\ln [M_t/M_{(t-1)}]$ |

مأخذ: نتایج تحقیق.

متغیر وابسته در مدل (۱) رشد اقتصادی است و متغیرهای مستقل عبارتند از نرخ اشتغال به جمعیت، موجودی کل سرمایه، صادرات کل و واردات کل. $\varepsilon_1$ جزء خطای رگرسیون است.

استفاده از نرخ رشد متغیرها به منظور بررسی اثر متغیرهای فوق بر رشد اقتصادی است. به دلیل عدم وجود برخی داده‌ها و همچنین ساختار ناهماهنگ تعدادی از کشورها آمار برخی از آنها کنار گذاشته شده تا بتوان یک پانل متوازن تشکیل داد. داده‌های مورد استفاده در مدل (۱) از آمار موجود در سایت

1. Panel Data

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

WDI[1] گردآوری شده است. این آمار مربوط به ۹ کشور ایران، الجزایر، مصر، اردن، لبنان، سوریه، مراکش، تونس و یمن از منطقه منا طی یک دوره ۷ ساله از سال‌های (۲۰۰۵-۱۹۹۹) می‌باشد.

$$RGDP=\alpha_0+ \alpha_1 RK+ \alpha_2 RL+ \alpha_3 RX+ \alpha_4 RMK+ \alpha_5 RMI+ \alpha_6 RMC+ \varepsilon_2 \qquad (۲)$$

در مدل (۲) به جای متغیر واردات کل از متغیرهای واردات کالاهای سرمایه‌ای، واردات کالاهای واسطه‌ای و واردات کالاهای مصرفی استفاده شده است. تقسیم‌بندی کالاها بر اساس ۳ گروه پایه و اصلی کالایی بر طبق چارچوب سیستم حساب‌های ملی[2] می‌باشد که از طبقه‌بندی‌های مهم کالایی به شمار می‌آید که توسط سازمان ملل متحد براساس طبقه‌بندی گسترده اقتصادی[3] صورت می‌گیرد و به اختصار سیستم طبقه‌بندی BEC نامیده می‌شود.

در مدل (۲) نیز از نرخ رشد متغیرها در مدل استفاده شده است تا بتوان اثر آنها بر نرخ رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داد. متغیر وابسته در مدل (۲) رشد اقتصادی است و نرخ اشتغال به جمعیت، موجودی کل سرمایه، صادرات کل، واردات کالاهای سرمایه‌ای، واردات کالاهای واسطه‌ای و کالاهای مصرفی همگی متغیرهای مستقل هستند. $\varepsilon_2$ نیز جزء خطای رگرسیون می‌باشد.

**جدول ۲. متغیرهای مدل (۲)**

| نماد متغیر | متغیر | نحوه محاسبه |
|---|---|---|
| RGDP | نرخ رشد تولید ناخالص داخلی | $RGDP=\ln [GDP_t /GDP_{(t-1)}]$ |
| RK | نرخ رشد موجودی کل سرمایه | $RK=\ln [k_t /k_{(t-1)}]$ |
| RL | نرخ رشد اشتغال به کل جمعیت | $RL=\ln [L_t /L_{(t-1)}]$ |
| RX | نرخ رشد کل صادرات | $RX=\ln [X_t /X_{(t-1)}]$ |
| RMK | نرخ رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای | $RMk=\ln [Mk_t /Mk_{(t-1)}]$ |
| RMI | نرخ رشد واردات کالاهای واسطه‌ای | $RMI=\ln [MI_t /MI_{(t-1)}]$ |
| RMC | نرخ رشد واردات کالاهای مصرفی | $RMC=\ln [MC_t /MC_{(t-1)}]$ |

مأخذ: نتایج تحقیق.

در این مدل نیز برای تشکیل یک پانل متوازن و کاهش ناهماهنگی‌های ساختاری کشورهای منطقه منا به ناچار تعدادی از این کشورها حذف گردیدند. داده‌های بکار رفته در مدل (۲) از آمار گروه داده‌های توسعه‌ای بانک جهانی و هچنین از آمار رسمی سازمان ملل متحد می‌باشد. این آمار مربوط به

1. World Development Indicators (data.worldbank.org)
2. System of National Accounts
3. Broad Economic Classification

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

۸ کشور ایران، الجزایر، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تونس و یمن از منطقه منا طی یک دوره ۹ ساله از سال‌های (۲۰۰۷-۱۹۹۹) می‌باشند.

آزمون F لیمر به منظور انتخاب بین روش حداقل مربعات معمولی و اثرهای ثابت برای هر ۲ مدل بکار رفت. یافته‌ها وجود ناهمگنی مقاطع در هر ۲ مدل را نشان می‌دهد و در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل‌ها می‌باشد. با توجه به یافته‌های آزمون هاسمن که نشان از رد اثرهای تصادفی در مقابل اثرهای ثابت دارد اقدام به تخمین مدل‌های پژوهش به روش پانل و با درنظر گرفتن اثرهای ثابت مقطع‌ها نمود.

## ٤-۲. برآورد مدل و تفسیر نتایج

یافته‌های برآورد مدل (۱) برای ۹ کشور طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۹۹) در جدول (۳) ارائه شده است:

**جدول ۳. برآورد مدل (۱)، متغیر وابسته: رشد اقتصادی**

| متغیر | ضریب | آماره t |
|---|---|---|
| C | ۰/۹۳۲ | ۳/۷۹۸ |
| RL | ۰/۱۶۷ | ۲/۴۹۹ |
| RX | ۰/۱۰۲ | ۷/۱۲۶ |
| RK | ۰/۰۶۳ | ۴/۳۹۰ |
| RM | ۰/۰۵۸ | ۳/۶۷۷ |
| آماره‌های رگرسیون | $R^2$= ۰/۶۸۸ | F = ۹/۲۱۵ |
| | D.W= ۱/۹۰ | Prob= ۰/۰۰۰ |

مأخذ: پیوست یک.

تمام ضرایب مربوط به ۴ متغیر توضیحی اثرگذار بر رشد اقتصادی به‌صورت مثبت و از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار هستند. این ضرایب به ترتیب از بیشترین مقدار اثرگذاری عبارتند از رشد اشتغال، رشد صادرات، رشد موجودی سرمایه فیزیکی و در آخر رشد واردات. طبق یافته‌های به‌دست آمده، بین واردات و رشد اقتصادی رابطه‌ای مثبت وجود دارد و همچنین از نظر آماری معنادار است که با نظریه‌های مرتبط در این زمینه نیز موافق می‌باشد.

ضریب واردات کمترین میزان را در مقایسه با ۳ ضریب دیگر در مدل (۱) داراست و نشان‌دهنده اثرگذاری کمتر بر رشد اقتصادی در مقایسه با سایر متغیرها می‌باشد. به طوری‌که با افزایش یک درصد واردات به میزان (۰/۰۵۸) درصد رشد اقتصادی کشورهای منتخب منطقه منا طی دوره مورد بررسی افزایش خواهد داشت.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

یافته‌های برآورد مدل (۲) برای ۸ کشور طی دوره (۲۰۰۷-۱۹۹۹) در جدول (۴) آمده است:

**جدول ٤. برآورد مدل (۲)؛ متغیر وابسته رشد اقتصادی**

| متغیر | ضریب | آماره t |
|---|---|---|
| C | ۴/۰۵۷ | ۳۴/۴۱۴ |
| RL | ۰/۱۸۵ | ۲/۶۱۰ |
| RMI | ۰/۰۳۹ | ۶/۹۴۱ |
| RX | ۰/۰۳۳ | ۱۴/۶۰۳ |
| RK | ۰/۰۳۰ | ۵/۰۲۹ |
| RMK | ۰/۰۱۵ | ۵/۳۵۶ |
| RMC | -۰/۰۲۹ | -۸/۹۰۵ |
| آماره های رگرسیون | $R^2$= ۰/۶۲۱ | F=۹/۹۷۶ |
| | D.W=۲/۱۹ | Prob= ۰/۰۰۰ |

مأخذ: پیوست دو.

تمام ضرایب مربوط به متغیرهای مدل (۲) بجز واردات کالاهای مصرفی که بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد، دارای علامت مثبت است که نشان‌دهنده اثرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی می‌باشد و از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار هستند. این ضرایب به ترتیب از بیشترین مقدار اثرگذاری مثبت عبارتند از اشتغال، واردات کالاهای واسطه‌ای، صادرات، موجودی سرمایه فیزیکی و در آخر واردات کالاهای سرمایه‌ای.

با افزایش یک درصد واردات کالاهای سرمایه‌ای به میزان (۰/۰۱۵) درصد رشد اقتصادی افزایش خواهد داشت. یک درصد افزایش در واردات کالاهای واسطه‌ای منجر به (۰/۰۳۹) درصد افزایش در رشد اقتصادی شده است. میزان اثرگذاری واردات کالاهای واسطه‌ای بر رشد اقتصادی از میزان اثرگذاری واردات کالاهای سرمایه‌ای بیشتر بوده است.

طبق یافته میان واردات کالاهای مصرفی و رشد اقتصادی رابطه‌ای منفی وجود دارد که موافق با نظریه‌های مرتبط در این زمینه نیز می‌باشد. کاهش یک درصد از واردات کالاهای مصرفی به میزان (۰/۰۲۹) درصد رشد اقتصادی را افزایش خواهد داد.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر تلاش گردید جایگاه واردات به تفکیک واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی بر رشد اقتصادی در منطقه منا در دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۹۹) مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌ها گویای این مطلب

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

است که نرخ رشد واردات با رشد اقتصادی رابطه مثبتی دارد اما میزان اثرپذیری رشد اقتصادی از افزایش نرخ رشد صادرات در مقایسه با افزایش نرخ رشد واردات بیشتر می‌باشد. از دیگر نتایج به دست آمده اثر مثبت نرخ رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بر رشد اقتصادی بوده که رشد واردات کالاهای واسطه‌ای از اثرگذاری بیشتری نسبت به رشد کالاهای سرمایه‌ای برخوردار است. طبق یافته‌ها نرخ رشد واردات کالاهای مصرفی دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی می‌باشد. با بکارگیری روش داده‌های ترکیبی که ۲ خصوصیت داده‌های مقطعی (رفتارهای بلندمدت) و داده‌های سری زمانی (رفتارهای کوتاه‌مدت) را تلفیق نموده و ساختار عمومی‌تر و پویاتری را برآورد نموده است، این اثرگذاری منفی می‌تواند قابل تأمل باشد.

آنچه که این پژوهش درپی آن است روند واردات کالاهای مصرفی می‌باشد که در برخی موارد از کیفیت بالایی نیز برخوردار نیستند و اثری که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی کشورها می‌گذارد. با توجه به ساختار کشورهای منطقه منا ایجاد محدودیت‌های وارداتی برای کالاهای مصرفی می‌تواند شتاب بیشتری به رشد اقتصادی دهد.

## منابع


اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۸۷)، *اقتصادسنجی پانل دیتا*، مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.

برادران شرکاء، حمیدرضا و سکینه صفری (۱۳۷۷)، "بررسی اثر صادرات بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران"، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۶.

تقوی، مهدی (۱۳۸۹)، *تجارت بین‌الملل*، تهران: انتشارات بازتاب.

جونز، هایول (۱۳۷۰)، *درآمدی به نظریه‌های جدید رشد اقتصادی*، ترجمه صالح لطفی، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

شون، میشل رابرت (۱۳۷۱)، *نظریه تجارت بین‌الملل*، ترجمه دکتر مهدی تقوی، تهران: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.

فرجادی، غلامعلی و محمدرضا لعلی (۱۳۷۶)، *تأثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بر رشد اقتصادی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

فرهادی، علیرضا (۱۳۸۳)، "آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۸۴.

مانی، علی و مجتبی حافظی (۱۳۷۷)، *اثربخشی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی با استفاده از تکنیک همگرایی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.

مرادی، محمدعلی و مریم مهدی‌زاده (۱۳۸۴)، *نقش تجارت خارجی بر رشد اقتصادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکزی تهران.


[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]

مهدوی، ابوالقاسم و شاهین جوادی (۱۳۸۴)، "آزمون تجربی رابطه تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ۵، شماره ۴.

هادیان، ابراهیم و الهام مقدم (۱۳۸۸)، *بررسی تأثیر واردات بر رشد اقتصادی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

Balassa, B. (1978), "Export and Economic Growth Further Evidence", *Journal of Development Economics,* Vol. 2.

Chen, J. & B. Dong (2012), "A Nonparametric Estimation on he Effects of Import and Export trade to Economic Growth in China", *Elsevier, Procedia Engineering,* Vol. 29, PP. 952-956.

Feder,G. (1982), "On Exports and Economic Growth", *Journal of Development Economics,* Vol. 12, PP. 59-73.

Khan, M. S. & C. M. Reinhart (1990), "Private Investment and Economic Growth in Developing Countries", World Development, Vol. 18, PP. 19-27.

Kruger (1983), "The Effect of Trade Strategies on Growth", *Finance and Development,* Vol. 20.

Salehi, Esfahani (1991), "Export, Import and Economic Growth in Semi-Industrialized Countries", *Journal of Development Economic,* Vol. 39, PP. 94-116.

Uğur, Ahmet (2008), "Import and Economic Growth in Turkey: Evidence from Multivariate VAR Analysis", *East-West Journal of Economics and Business,* Vol. XI, No. 1-2.

[ Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22 ]